

کورش کسیر

دقران مجید و عهدیق

تألیف

دکتر فریدون بدره‌ای



آشواست سالی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بدره‌ای، فریدون، ۱۳۱۵ -
کوروش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق / تألیف فریدون بدره‌ای. -- تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۲۷۵ ص. (انتشارات اساطیر، ۴۰۵)

ISBN 964-331-229-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۲۴۳-۲۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق. م. -- در قرآن. ۲. کوروش هخامنشی، شاه ایران، ۵۲۹ ق. م. -- در تورات. الف. عنوان.
۹ کی ۴ ب / ۲۴۱ DSR ۹۵۵/۰۱۵
کتابخانه ملی ایران
۸۳-۳۷۷۰۱ م



بایگاری



آمارات اساطیر

کوروش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق
تألیف: دکتر فریدون بدره‌ای

چاپ اول: ۱۳۸۴

حروفچینی: نصیری

لیتوگرافی: طیف نگار

چاپ: دیبا

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۲۲۹-۱

حق چاپ محفوظ است.

نشانی: میدان فردوسی، اول ایرانشهر، ساختمان ۱۰

تلفن: ۸۳۰۰۱۴۸، ۸۸۲۱۴۷۳، ۸۳۰۱۹۸۵

فهرست مندرجات

۷	سخنی به جای مقدمه
۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه

دفتر نخست

مردی از پارس

۲۳	۱. دورنمای تاریخی
۲۹	۲. دودمان هخامنشی
۳۵	۳. کورش در مه افسانه‌ها
۳۷	۴. معجزه کودکی
۴۱	۵. کورش در ماد
۴۴	۶. کورش در مغرب
۵۳	۷. کورش در مشرق
۵۵	۸. کورش در بابل
۶۴	۹. کورش در تنگه‌های قفقاز
۶۶	۱۰. مرگ کورش
۶۹	۱۱. شخصیت کورش

دفتر دوم

کورش کبیر در عهد عتیق

۷۹	۱۲. قوم یهود
۸۵	۱۳. کورش کبیر در عهد عتیق کتاب مقدس یهود

دفتر سوم

کورش کبیر در قرآن مجید

۱۰۱	۱۴. اعراب
۱۰۶	۱۵. محمد (ص) و قرآن
۱۱۲	۱۶. مسئله ذوالقرنین و عقاید مفسران و محققان
۱۱۷	۱. طبری و بلعمی
۱۲۶	۲. ابوریحان بیرونی

۳. مجمل التواریخ و القصص ۱۳۱
۴. غزالی ۱۳۲
۵. ابوبکر سورآبادی ۱۳۴
۶. ابن البلخی ۱۳۸
۷. مقریزی ۱۳۹
۸. ابن الاثیر و سمعانی ۱۴۲
۹. غیاث الدین خواندمیر ۱۴۲
۱۰. صاحب کتاب ذوالقرنین ۱۴۴
۱۱. قاموس الاعلام ۱۴۷
۱۲. دائرة المعارف اسلام ۱۴۸
۱۳. مولانا ابوالکلام آزاد ۱۵۰
۱۴. مؤلف تاریخ انبیاء ۱۵۰
۱۵. نوبخت ۱۵۳
۱۶. پروفیسور طاهر رضوی ۱۵۸
۱۷. منابع دیگر ۱۶۰
۱۷. ذوالقرنین کیست؟ ۱۶۲
- ذوالقرنین در توراہ ۱۶۵
۱۸. ذوالقرنین، مردی پارسی، کورش کبیر است یا داریوش بزرگ؟ ۱۷۳
۱۹. معتقدات مذهبی ذوالقرنین ۱۸۰
۲۰. آیا هخامنشیان زرتشتی مذهبند؟ ۱۸۲
۲۱. توحید در دین زرتشتیت: ۱۹۴
۱. توحید و عظمت خدا ۲۰۴
۲. روز واپسین ۲۰۵
۳. بهشت و دوزخ و همستگان ۲۰۵
۲۲. دین زرتشتی در نظر اسلام ۲۰۹
۲۳. یاجوج و ماجوج ۲۲۷
- سد یاجوج و ماجوج و مکان آن ۲۳۸
۲۴. واپسین گفتار ۲۴۰
- فهرست ماخذ ۲۴۳
- فهرست اعلام ۲۴۹

سخنی به جای مقدمه

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

اکنون که این چند کلمه را به جای مقدمه بر این کتاب می نویسم درست چهل و پنج سال از زمان تألیف و انتشار آن گذشته است. در آن هنگام که به نوشتن این کتاب پرداختم جوانی بیست و اند ساله بودم و شوری و حالی داشتم، ولی اکنون دیگر از آن شور و حال اثری نیست و برف پیری بر سرم نشسته است. از این رو، وقتی پس از گذشت این همه سال آقای عبدالکریم جریزه دار مدیر دانشمند انتشارات اساطیر اظهار علاقه به تجدید چاپ آن کرد و اصرار و ابرامی به خرج داد نخست مردد ماندم زیرا به هیچ روی خود را برای تجدیدنظر در آن پس از این مدت دراز آماده نمی دیدم و چاپ آن را نیز به همان صورت بایسته نمی دانستم. اما تنی چند از دوستان دانشمند مرا قانع ساختند که کتاب به همان صورت که بوده است اما با آرایش و پیرایش نو چاپ شود، زیرا بحث کلی کتاب تغییر چندانی نکرده است، جز آنکه البته تحقیقات جدیدی در این زمینه صورت گرفته است که بر بعضی از موضوعات کتاب روشنی بیشتری می افکند. مثلاً تحقیقات ارزشمند ایرانشناس نامبردار خانم مری بویس درباره دین زرتشتی به نام تاریخ دین زرتشت، بویژه جلد دوم آن تحت عنوان دین زرتشتی در دوره هخامنشیان (لیدن، ۱۹۸۴) و نیز مقاله او به نام «دین کوروش کبیر» در کتاب تاریخ هخامنشیان، بخش سوم: روش و نظریه گردآورده املی کورت و هلن سانسیسی - ویرنبرگ (لیدن، ۱۹۸۸) جای تردید درباره زرتشتی بودن هخامنشیان باقی نمی گذارد. نیز اکنون بر من مسلم و مسجل است که ذوالقرنین مندرج در قرآن برخلاف تصور و استدلال های کسانی که او را با اسکندر تطبیق داده اند و به روایات سراسر دروغ

کالیتنس دروغین استناد جسته‌اند، جز کورش نمی‌تواند باشد. زیرا در این کوچکترین تردیدی نیست که اصل داستان ذوالقرنین و سرمنشأ پرسش معاندان از حضرت محمد (ص)، از کتاب مقدس یهود، یعنی عهد عتیق، سفر دانیال نبی گرفته شده است، و در کتاب دانیال نبی، مراد از قوچ دوشاخی (در عبری لوقرانیم) که در رؤیای دانیال بر او ظاهر می‌شود، به تصریح نص آن کتاب، پادشاه ماد و پارس یعنی کورش است نه اسکندر، زیرا در آن رؤیا نماد و سمبل پادشاه یونان یک بُز نر تکشاخ است نه قوچ دوشاخ (ذوالقرنین). و بنابراین، مسلم است که اسکندر نه در کتاب مقدس یهود و نه در قرآن مجید نمی‌تواند ذوالقرنین باشد. متأسفانه بیشتر محققان به این نکته ظریف توجه نکرده‌اند و الا آن همه استدلال‌ها و برهان‌آوری‌ها که در برخی از تحقیقات اخیر در مورد ذوالقرنین بودن اسکندر آورده شده است به عبث آورده نمی‌شد. زیرا این همه استدلال در برابر نص است و ارزشی ندارد.

خوشبختانه بیشتر مفسران دانشمند جدید قرآن از جمله شادروان علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان به این نکته توجه کرده‌اند و کورش را به حق شایسته آن دانسته‌اند که ذوالقرنین قرآن باشد تا اسکندر. حتی شارح اصول من الکافی تألیف ابی جعفر محمد بن یعقوب الحق کلینی، حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای به درستی آورده است که «... در وافی و بعضی شروح ذوالقرنین را به اسکندر رومی تفسیر کرده‌اند. ولی اسکندر رومی شایسته توصیفی که قرآن از او کرده و توصیفی که امیرالمؤمنین در روایت ذوالقرنین از او کرده و خود را مانند او دانسته و بلکه به این همانندی افتخار کرده نیست.» (کتاب دوّم الکافی، صفحه ۳۹-۴۰).

باری، باید از آقای عبدالکریم جربزه‌دار ممنون و سپاسگزار باشم که متکفل چاپ جدید و مُنقّح و آراسته‌ای از این کتاب مستطاب شد و آن را از بوتۀ فراموشی بیرون آورد. والسلام

فریدون بدره‌ای

تهران اول شهریور ماه ۱۳۸۳

پیشگفتار

داستان چاپ این کتاب خود داستانی شنیدنی است. اما دریغ و درد که ما را در اینجا پروای گفتن آن نیست:

شرح این قصه مگر شمع برآرد به زبان

ورنه پروانه ندارد به سخن پروائی

کوتاه بگویم، به عللی که شرح آن نتوان، بر آن نبودم که این کتاب را به چاپ رسانم. می‌خواستم آن را نیز چون بسیاری از آثار، که مردم زمان ما، خریدار آن نیستند به کنجی افکنم، و در انتظار روزی باشم، که این نوع کالا را خواستاری پیدا آید. اما لطف یاران فرهنگی نگذاشت.

قبض‌هائی برای پیش‌فروش کتاب چاپ کردیم و یاران به هر دیار که بودند، معدودی بفروختند، پولی فراهم آمد، و کتاب را به زیور چاپ آراستیم و اینک برای ارباب دانش عرضه می‌داریم: تا چه پسند افتد و چه در نظر آید.

حال شایسته است که آنان را که در این مهم مرا معاونت کردند، سپاس

بدارم.

آقای حسین بطحائی، ریاست محترم فرهنگ همدان، با نهایت اخلاص، در یاری این حقیر از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. به پایمردی ایشان اداره کل نگارش وزارت فرهنگ نیز، وعده مساعدتی داده است:

گر بر تن من زبان شود هر موئی

یک شکر وی از هزار نتوانم گفتن

پسرعموی بزرگوار، سرهنگ عبدالعلی بدره‌ای که در هر کار مرا نیکوترین مددکار بوده است، به حق در این مورد نیز محرک و مشوق

اصلی من به نوشتن بود:

کیمیایی بود صحبت‌های او

کم مباد از گوشه دل جای او

دوست گرانقدر، آقای قاسم برنا که با نهایت سخاوت و شکیبایی کتابهای مورد نیاز مرا فراهم ساختند، یا از کتابخانه خویش در اختیارم نهادند، و نیز با گشاده‌روئی، در چاپ و تصحیح کتاب مرا یاری نمودند، و از این رهگذر، مرا رهین منت خویش ساختند:

گر شکر شوم، شکر تو نتوانم گفت

ور عذر شوم، عذر تو نتوانم خواست

همسر مهربان و دانشورم، که در همه حال مرا بزرگترین تیماردار و غمخوار بوده است، و همکاری و همگامی اش بهترین یاور در پژوهش‌ها و مطالعاتم. به یقین اگر مراقبت‌های او نمی‌بود، هرگز به نوشتن این کتاب موفق نمی‌شدم:

ستایشش به حقیقت ستایش خویش است

که آفتاب ستا چشم خویشتن بستود

و بالاخره آقایان:

محبوبی، مجیدی، ناصر محسنی، علیرضا میرهاشمی، پور پرویز، رضا ایزدی، میرحسن میرهاشمی، میر، عیسی پوران، قدمی و دیگر رؤسای و یاران فرهنگی که در فروش قبض‌های پیش‌فروش کتاب، از کمک دریغ نوزیدند، و مرا سپاسگزار خویشتن ساختند.

من اگر جمع اگر پریشانم

هرچه هستم از آن ایشانم

فریدون بدره‌ای

همدان، ۱۳۳۸